

خیمه شب بازی هنر اصیل آسیائی

میگویند خیمه شب بازی هنری جهانی و همچون تمدن کهنسال است و این مدعا در هیچ کجای دنیا با اندازه آسیا که اساس نمایش خیمه شب بازی در آنجا در حال افول است، صادق نیست؛ لکن سه مورخ چینی که هزار سال قبل از میلاد مسیح میزیسته بچگونگی خیمه شب بازی آن زمان و طریقه بازی دادن عروسکها اشاراتی کرده است در مشرق زمین که هنوز نیز در بیشتر شتون برجای پای گذشتگان پامی نهند. موضوعات نمایشنامه های خیمه شب بازی نسل بنسل منتقل شده و بدینگونه قسمتی از روایات کهن و افسانه ها برجای مانده است در جاوه از قرن هفتم میلادی خیمه شب بازی معمول بوده و اکنون نیز هست در نظر آسیائی عروسک خیمه شب بازی تاریخ سیار و مبین حیات مذهبی اوست خیمه شب بازی اکنون در آسیا نمایشی است خاص عوام که فولکلور و افسانه های آن سرزمین را در قالبها و رنگهای جاندار زنده میسازد. گرچه هنوز محقق نشده که خیمه شب بازی در چین یا هند ابداع شده است لیکن قدیمی ترین متون هندی که بزبان سانسکریت میباشد منشاء آن «دابه الهه» «پاراواتی» زن «سیوا» خدای هندیان میسرسانند. بنا بر این افسانه این الهه عروسکی زیبا میسازد و از ترس اینکه مبادا عروسک شوم باشد و نجوست آن دامنگیر شوی گردد مخفیانه آن را بکوهی میبرد و در آنجا پنهان میکند. سیوا بکنجکاو زنش را تعقیب میکند عروسک را بچنگ میاورد و مفتون زیبایی و ملاحظتش میگردد و آنکامه باین عروسک بی جان زندگی و حرکت میبخشد تا بتواند آنرا ببیان زندگان ببرد. این افسانه دل انگیز اشاره است بخیمه شب بازی و آدمکهای متحرک در ادبیات هندی. نمایشنامه های خیمه شب بازی که اکنون در هند جنوبی اجرا میشود همه عرصه تاریخ هند است که در صحنه های بسیار جالب ساخته و پرداخته شده جای تاسف است که روستاهای هندی نیز تحت تاثیر زیبایی سینما پیش از پیش فولکلور خود را فراموش می کنند و بدین طریق هنرهای کهن و عتیق جامی را که در دل و روح مردم داشته از دست میدهد و از میان میرود.

هنر خیمه شب بازی در سیلان نیز بهمین سر نوشت گرفتار است در حال حاضر فقط در تنها شهری که در ساحل جنوبی جزیره واقع است رواج دارد. با کثرت احتمالات سیلان خیمه شب بازی را از هند گرفته، گرچه در متون کهن این سرزمین نیز کما بیش اشاراتی بشیوه های جنباندن عروسکها شده است. با اینکه سیلان در سلطه تمدن غربی است و

هیچ گونه عارضه‌ای که گواه وفاداری بفرهنگ و تمدن يك قوم باشد در آنجا هویدا نیست باز خوب است که این هنر را بهمان صورت اولیه خود بر پانگاهد داشته اند و گویا این بسبب اهمیت افسانه‌ای و ارتباط سخت و مستقیمی است که این هنر با عوام الناس آن دیار دارد.

اما در جاوه هنر خیمه شب بازی وسعت یافته و پنج قالب بر خود گرفته است هر يك از این قالب‌ها از نظر رنگ آمیزی، ریخت قواره و لباس عروسکها بادیگری تفاوت کلی دارد. مثلاً یکی از پنج قالب اساسش بر عقاید مذهبی و ارتباط با ارواح مردگان است. مرشد یا بازی دهنده عروسکها که در جاوه به «دالانك» موسوم است بر اثر قدرت پنهانی خیالی ظاهر اقا در است روح مردگان را در عروسکهایش بدمد. هر چند اعتقاد باعتبارات مذهبی در آن ملك از میان رفته اما معمولاً نمایشنامه‌هایش در مجالس ازدواج یا جشنهای آبستنی و ختنه‌سوران اجرا میشود. در این نوع مجالس مرشد خیمه شب بازی با اندازه يك شیخ یا کشیش مورد احترام است.

بهمان اندازه که امروز سینما در غالب ممالك دنیا معمول و در دسترس عموم است خیمه شب بازی نیز نزدیک به هزار سال پیش در چین رایج و مرسوم بوده است روایت است که امپراطور «مو» روزی پن‌تسه‌تسه مرشد نامدار خیمه شب بازی را بدربار خواست تا وی و زنان پیشاموش را سرگرم کند. مرشد که از فکر هنر نمایی در کاخ شاهی سرمست شده بود با شوق بکار پرداخت و عروسکهای ساخت که دهانشان باز میشد و دستهایشان می‌جنبید و چشمهایشان می‌گردید. انکار که بتماشایگران ایما و اشاره کنند. و در اثناء نمایش... حرکات عروسکها چنان جاندار و زنده بود که امپرا طور را خیال برداشت که آنان با زنان وی نظر بازی میکنند و بر فور فرمان داد تا مرشد را کردن بزنند. مرشد دست با ستغانه برداشت و برای اثبات بی‌گناهی خود عروسکها را از هم پاشید و تازه امپراطور بفراست دریافت که وی بچندتکه پارچه و مقوا حسادت ورزیده است و مرشد را در قید حیات باقی گذاشت بدون شك عروسکهای خیمه شب بازی آنطور که در این افسانه آمده است جاندار نیستند اما:

عرصه هنر چینی در زمینه خیمه شب بازی در سراسر چین گسترده است داستانهای نمایشهای خیمه شب بازی در چین تقریباً اصیل و دست نخورده باقی است اما تا حدودی هم این افسانه‌های عامیانه از نمایشنامه‌های نو و از صیغه ترجمه‌های فرنگی متأثر شده است. ساختن عروسکهای خیمه شب بازی در چین خود رشته‌ای از هنر است.

عروسکها که از قطعات و بر طوق اسلوب خاصی تشکیل شده اند هر يك نمودار شخصیت خاصی هستند. لباسهایشان با مهارت و ظرافت ساخته شده و بر نگهای درخشان و شفاف نقش گشته است. مرشد دوره کرد خودش تأثر متحرك است زیرا صحنه نمایش را روی صحنه می‌گذارد و در اثنای راه رفتن از زیر عبای گشادش نعلها را بالا پائین میکشید و عروسکها را میرقصاند. در جریان جنگ دوم جهانی از همیشه شب بازی بصورت يك وسیله تبلیغ ضد ژاپنی در چین استفاده شد و نتیجه مطلوب



نمونه‌ای چند از خیمه‌شب بازی در چین

نموداری از نفوذ فوق‌العاده خیمه شب بازی در روستای چینی بود.

ژاپنی‌ها هنر ساختن عروسکهای متحرک را از چینیها آموختند و هر چند از زمان توسعه هنر خیمه شب بازی ژاپنی خیلی نمیگذرد اما در قرن هیجدهم شکوه و بهلالش در دنیا بی‌مانند شده بود. این هنر ظریف و مجلل در نتیجه رقابت دو کمپانی ژاپونی بوجود آمد و در آن زمان چندان دقایق و نکات هنری درین فن گنجانده شده بود که هنرپیشه‌ها برای آموختن ریزه‌کاریهای این عروسک‌های هنرمند بتماشای خیمه شب بازی میرفتند. صحنه‌گردان نیز در این زمان و در آثار خیمه شب بازی بوجود آمد. شی‌گامانسو درام نویس ژاپونی آن عصر با نوشتن نمایشنامه برای هنرپیشگان بیجان موفقیت بیشتری بدست آورد. در آن زمان تاتر شرقی چنان در ذرات هوای مذهبی غوطه میزد که عروسکها از خود آدمها آدم تر شده بودند!

بعد از این دوره زمان ابتدال و رکود خیمه شب بازی ژاپونی فرا رسید و دنباله‌اش به نیمه دوم قرن نوزدهم کشید، تا شرکتی در اوزاکازندگانی نوی به هنر خیمه شب بازی داد و این هنر از نو جان گرفت و سراسر ژاپون را قبضه کرد در این میان نام گروه «بونارکی» مرادف با «خیمه شب بازی کلاسیک» برده میشد. در خیمه شب بازی «بونارکی» نمایشنامه همراه با شعر و موسیقی ژاپونی اجرا میشد و هم‌آهنگی کامل میان حرکات و بازی عروسکها و شعر و موسیقی برقرار بود و بدینگونه یک نوع تاتر غنائی ایجاد شد. عروسکها تقریباً دو سوم قد و بالای انسان را داشتند و وزنشان به پنج کیلو میرسید و لباسهای فاخر میپوشیدند. پرسوناژهای مهم بوسیله سه مرد (سه مرشد) بازی داده میشدند - یکی سرودست راست و دیگری دست چپ و پاها را میچناباند. نظم عجیب و هم‌آهنگی حرکات عروسکها بیننده را متحیر میکرد، و خلاصه اینکه نقاط مختلف یک عروسک را سه مرشد خیمه شب بازی با نظم و مرتب بحرکت میآوردند. این کار چندان دشوار است که مرشدهای ژاپونی از قدیم الایام عقیده مندند که ده سال ممارست برای راه بردن پاها و ده سال دیگر برای حرکات دادن دستها و سر و ده سال آخر برای تطبیق تنظیم حرکات با یکدیگر لازمست. شبیه نیست که سی سال ممارست در هنر چنابان عروسکها که راه توفیق بمقام مرشدی است فقط در ژاپن و برای ژاپونی ممکن است و بس تازه نباید تصور کرد که تنها رل اساسی را در خیمه شب بازی مرشدها دارند بلکه خوانندگان و نوازندگان نیز باید همراه و هم‌آهنگ با حرکات موزون عروسکها که پیش بیایند. معمولاً موضوع نمایشنامه تغییرناپذیر است و همواره برمدار جدال بین نیک و بد و غلبه عدالت میگردد.

در برمه برخلاف ژاپون موضوع نمایشنامه‌ها اخلاقی نیست مرشد برمه بیش از هر چیز وسیله سرگرمی تماشاگر را فراهم میکند. بیشتر عروسکهایش باشکال مضحک «دیو هفت سر یا شیطان شاخدار و ... هستند» باز موسیقی در خیمه شب بازی برمه مانند ژاپونی سهم مهمی دارد مثلاً یکی از صحنه‌ها چنگ یک دهاتی با ازدهای آتشین و کشته شدن ازدها بدست دهاتی است. در صحنه نمایش میتوانید رقص دسته جمعی زیبا و باارزشی را ببینید و معمولاً در این رقصها هنر با رقت و

لطفاتی خیال انگیز موج میزند با این وصف نمایشنامه های واقعی دربرمه غالباً و قایم زندگانی پادشاهان گذشته آن سر زمین است. این عروسکها از نظر لباس و حتی حرکات و رفتار و ریخت و قیافه با آن شاهان نیمه خدا اندک تفاوتی ندارند. نمایش این افسانه ها دربرمه مورد احترام همگان است.

اما در این زمان هنر خیمه شب بازی دربرمه و سیلان و هند در شیب نیستی است و اگر اثری از آن باقیست از دولت سر مرشدهای دوره کرد است این هنرمند های فروتن معمولاً فوت کاسه گری را از پدرانشان آموخته اند انتقال این هنر در داخل خانواده ها جزو رسومات و محفوظات است.

اکنون نیز آسیا از هنر ارجمند خیمه شب بازی بی نصیب نیست، اما در برابر نفوذ و توسعه بی وقفه سینما این هنر به معبر انهدام می رود و حیث است، این هنر که با جذبه ای چنین شور انگیز نمودار پیوند مشرق زمینی با گذشته اوست، بکلی متروک شود.

از « کوریه » شماره ۳-۴ سال ۱۹۵۵

ترجمه: آرامش دوستدار



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

محل فروش مجله اندیشه و هنر

میدان مخبرالدوله
خیابان منوچهری
میدان بهارستان

کتابفروشی ابن سینا
کتابفروشی گوتمبرک
کتابفروشی نیل